

توضیحی اندک دربارهٔ هریک از این چهار کتاب:
 (۱) سید اعجاز حسین مشهور به کنتوری (متولد ۱۲۴۰ در لکنهو)، برادر بزرگتر صاحب «عقبات» بود. وی در کار تدوین «استقصاء الإفحام و استیفاء الانتقام فی ردّ منتهی الکلام» که به اسم برادرش میرحامد حسین شهرت یافته، به وی کمک کرد.

کشف الحجب، فهرست کتابهای شیعه به ترتیب الفبایی است و در آن ۲۴۱۴ کتاب معرفی شده است که البته برخی کتابها به دو نام یا بیشتر ذکر شده و همه شماره مستقل دارد. گرچه مؤلف غالباً متذکر شده که مثلاً نام اصلی این کتاب، فلان است (بخصوص در مورد کتابهایی که هم تحت عنوان اصلی خود آمده‌اند و هم تحت عناوین عامی مانند رساله‌ای در فلان موضوع، یا حاشیهٔ فلان کتاب یا شرح بهمان) با این حال شاید اسامی تکراری، کمتر از سیصد عنوان باشد. بنابراین در این کتاب بیش از سه هزار کتاب از شیعه معرفی شده است.

این کتاب از منابع مهم مرآة الکتب و الذریعه بوده است. ثقة الإسلام و نیز شیخ آقابزرگ به این نکته تصریح کرده و آن را در ردیف منابع خود ذکر کرده‌اند و الذریعه بطور بسیار محسوس از آن متأثر است و حتی برخی اشتباهات آن به الذریعه هم راه یافته است.

کشف الحجب، نخستین بار حدود پنجاه سال بعد از رحلت مؤلف در سال ۱۳۳۰ ق در کلکته به همت محمد هدایت حسین با فهرست اعلام و اماکن چاپ شد و، چنان که از مقدمهٔ وی برمی‌آید، چون نسخهٔ اصل به خط مؤلف در اختیارش نبوده بعید نیست برخی اغلاط کتاب، ناشی از همین امر باشد. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی می‌نویسد:

«مؤلف نسخه‌اش را به استاد ما مرحوم محدث نوری هدیه کرد و الآن [زمان تألیف الکرام البسرة] در کتابخانهٔ نوهٔ دختری استاد یعنی آقا ضیاء الدین فرزندی شهید شیخ فضل الله نوری - قدس سره - موجود است.»^۱

۱. الکرام البسرة فی القرن الثالث بعد العشرة، ج ۱، ص ۱۴۹. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ کشف الحجب رجوع شود به مقاله‌ای که نگارنده چند سال پیش نوشته و در مجلهٔ نشر دانش، سال دهم، شمارهٔ دوم، بهمن و اسفند ۱۳۶۸، ص ۵۱-۵۴، با عنوان «از بلاد هند» چاپ شده است.

طرحی در باب تدوین کتابشناسی کتب شیعه

رضا مختاری

نزدیک به یک قرن و نیم است که عالمان شیعه به تدوین کتابشناسی کتب شیعه به سبکی نو توجه جدی مبذول داشته‌اند و آثاری - اغلب گرانسنگ - در این زمینه عرضه کرده‌اند که عمدهٔ آنها عبارتند از:

(۱) کشف الحجب والأستار عن احوال الکتب والأسفار، تألیف سید اعجاز حسین نیشابوری کنتوری، متوفای ۱۲۸۶ ق در لکنهو.

(۲) مرآة الکتب، تألیف ثقة الاسلام شهید تبریزی، مستشهد عاشورای سال ۱۳۳۰ ق در تبریز.

(۳) کشف الأستار عن وجه الکتب والأسفار، تألیف مرحوم آیه الله سید احمد حسینی خوانساری مشهور به صفائی، متوفای ۱۳۵۹ ق در خوانسار و مدفون در همانجا.

(۴) الذریعة إلى تصانیف الشيعة، تألیف شیخ آقابزرگ تهرانی، متوفای ۱۳۸۹ و مدفون در نجف اشرف.

الکتاب در الذریعه استفاده می شود که وی مرآة الکتاب را - حداقل هنگام نوشتن این قسمت الذریعه- در اختیار نداشته است. وی می گوید:

«مرآة الکتاب فی ذکر اسماء الکتاب التي ألفتها الشيعة للميرزا علي آقا ثقة الإسلام ... كما ذكر بهذا العنوان في مقدمة كتابه «إيضاح الإنبياء في تعيين مولد خاتم الانبياء» ... و يظهر منه أنه موجود في مكتبته ولم يطبع بعده. و فيه مقدار واف من اسماء الكتب. و هو فارسي^۶ على ما نقل عنه بعض عباراته في «داستان دوستان فی تذکرة ادباء و شعراء آذربایجان» للمیرزا محمد علی صفوت.^۷»

۳) کتاب کشف الأستار عن وجه الکتاب و الأسفار را مرحوم آية الله صفائي حدود نیم قرن پیش در گوشه ای از شهر خوانسار با کمبود منابع تدوین کرده و سه مجلد از آن به تازگی (از سال ۱۴۰۹ تاکنون) به کوشش مؤسسه ال البيت - عليهم السلام- در قم چاپ شده است. این کتاب به ترتیب حروف الفبا (البته تنها با رعایت حرف اول، که این هم خیلی جاها عملی نشده است) تنظیم شده ولی ناتمام است و تا آخر حروف الفبا نگاشته نشده است. مؤلف در نامه ای خطاب به مرحوم آية الله مرعشی - رضوان الله علیهما- نوشته است:

«... کتابی که اشتغال به تألیف آن فعلاً دارم در ضبط اسامی کتب امامیه به ترتیب حروف تهجی نظیر «کشف الظنون» است، با اشاره به اسم مؤلف هر کتاب، و وثاقت آن و مشایخ ایشان، و بعضی نوادر حالات به هر اندازه که موفق به تحصیل آن بشوم، و اشاره به طبقه و موالید و وفیات ایشان اگر میسر شود.

۲) کتاب مرآة الکتاب، نوشته ثقة الإسلام شهید تبریزی، تا مدتها به صورت نسخه خطی باقی مانده بود تا اینکه چند سال پیش نسخه دستنویس مؤلف عیناً در چهار مجلد به صورتی نازیبا چاپ شد، ولی مدتی است که جناب مستطاب آقای شیخ محمد علی حائری به تصحیح آن همت گماشته اند که در سال گذشته (۱۳۷۲/۱۴۱۴) یک مجلد تصحیح شده آن در قم به وسیله کتابخانه مرحوم آية الله مرعشی - طاب ثراه- چاپ شده است. بخشی از «مرآة الکتاب» شرح حال مؤلفان و علمای شیعه است، ولی بخش عمده موجود آن اختصاص به کتابشناسی کتب شیعه دارد. مؤلف در آغاز آن، انگیزه تألیف این اثر را چنین بیان می کند:

«أما بعد، فيقول العبد الذليل ... : إني لما تتبعتُ الكتب الرجالية التي وصَّعها علماؤنا السالفون في تحقيق حالاتهم و تراجمهم ... رأيت كتبهم الشريفة و رسائلهم المنيفة أكثر من أن يحصى، و أوفر من أن يستقصى، ولكن أسماؤها لم تكن على ترتيب مخصوص، ولم يُبالوا على نظم شتاتها بالخصوص؛ بل ذكروها تطفلاً لترجمة مؤلفيها الثقات من غير أن يرتبوا ترتيب اللغات، حتى يكون مرجعاً لمن سأل عن كتاب معلوم الاسم مجهول الصفة والرسم، إلا ما سمعت من وجود تأليف لبعض علماء الهند في هذا المعنى، و قد ظفرتُ بنسخة منه أخيراً ...»^۲

ثقة الإسلام در آغاز کتاب، نکات جالبی - از جمله روش کار خود را- متذکر شده و گفته است: «مدعی نیستم که به اکثر مؤلفات شیعه احاطه یافته ام چه رسد به همه آنها» و از نداشتن وسیله برای چنین کاری شکوه کرده است.^۳ همچنین افزوده است:

«... ولم يتكامل فن من الفنون إلا بتوارد المشتغلين، و تراكم الفاحصين، فهذا القاصر يسعى سعيه، و يبذل جهده بحسب الطاقة البشرية ... فلعل المتأخر ممن يقف على تأليف هذا يُشيعني بخالص الدعاء، و يكمله بذكر ما فات مني قضاءً لحق المروءة و الإخاء ...»^۴

«... و ليس من عزمي ذكر جميع مؤلفات الإمامية من لدن أول أمرهم إلى يومنا هذا؛ بل المهم ذكر مؤلفات أصحاب و عقوفا في ... المائة الخامسة و مابعدھا ...»^۵

از سخن شیخ آقا بزرگ - طاب ثراه- در معرفی مرآة

۲. مرآة الکتاب، چاپ جدید، ج ۱، ص ۱۵-۱۷. مقصود ثقة الاسلام از بعض علمای هند، سید اعجاز حسین، صاحب کشف الحجب است.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۳.

۵. همان، ج ۱، ص ۷۷.

۶. مرآة الکتاب عربی است نه فارسی، و همین جمله هم دلیل است که تهرانی این کتاب را ندیده است.

۷. الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۸۲-۲۸۳. برای آگاهی بیشتر درباره مرآة الکتاب رک: نشر دانش، سال هفتم، شماره پنجم، ص ۵۷ به بعد، مقاله «فهرست کتابهای شیعه پیش از الذریعه».

لکن به واسطه قلت اسباب و کتب متعلّقه به این امر، بزحمت فوق العاده باید مرتّب شود ... در بلد [یعنی خوانسار] هم شخص مُعین و مُساعدی که مضایقه از دادن کتب [نکنند]، ولو به اعاره باشد یا به جهات اخری، وجود ندارد ...^۸

مؤلف بزرگوار در مقدمه اش گوید:

«و بعد، فقد كنت كثيراً ما يُشوقني قلبي و تبعثني نفسي على جمع مصنفات علماء الشيعة، خاصةً الاثني عشرية منهم، إحياءً لمآثرهم الخالدة، و إبقاءً لآثارهم العائدة، و في ذلك ... فوائد جمة و عوائد مهمة ... و طال تفكّري في هذا المرام أقدم رجلاً و أواخر اخري، لعلمي ببضاعتي المزجاة ... مع فقد الأسباب و الكتب المُعينة في هذا الباب، و عدم الناصر و المعين، و بُعد داري و بلدي من العلماء العاملين المبرزين في ذلك المضمّار ... فتوكلتُ على الله تعالى ... و شرعتُ في المقصود، بعناية ربّي المقصود المعبود، فأقول:

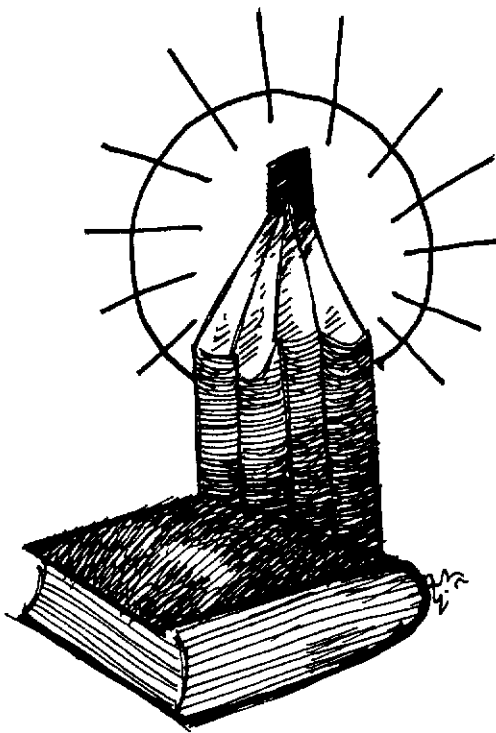
أعتذر إلى إخواني المؤمنين أن الاطلاع على أحوال العلماء و مصنفاتهم أمر عسير، لا يتيسر لكل أحد فضلاً من هذا العبد الفقير الحقير، لانتشارهم في كل قرن في مشارق الأرض و مغاربها ... بحيث يعد ذلك من المحالات العادية ... فلا يبادر أحد إلى انتقادي و ملامتي في قصوري و تقصيري في مرحلة التتبّع و الاستقصاء ...^۹

شیخ آقابزرگ به هنگام تألیف الذریعه این اثر را در اختیار نداشته است، زیرا در الذریعه در وصفش فرموده است:

«كشف الأستار عن وجه الكتب والأسفار، للسيد أحمد بن محمدرضا الحسيني الخوانساري الصفائي العبيدلي المعاصر، المولود في ١٢٩١، خرج إلى حرف الكاف في زهاء مجلّدات، ذكره السيد شهاب الدين بقم ...»^{۱۰}

گویند شیخ آقابزرگ پس از اطلاع از چگونگی آن از اینکه هنگام نگارش الذریعه به آن دسترسی نداشته، اظهار تأسف کرده است.^{۱۱}

۴) الذریعه إلى تصانیف الشيعة که درباره اش واقعاً باید گفت: «كلّ الصيد في جوف الفراء». این اثر عظیم و



گرانسنگ در ۲۵ جلد - که جلد نهم آن خود چهار مجلد است - طی حدود نیم قرن در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۸ در نجف و تهران به چاپ رسید^{۱۲} و مستدرکات و باز یافته های مؤلف نیز در سال ۱۴۰۵ در مشهد به همت مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، طی مجلدی جداگانه (مجلد ۲۶) منتشر شد. هیچ آدم منصف مطلعی نیست که در برابر عظمت این کار لب به تحسین نگوید و مؤلف و همت بلند و اخلاص کم مانند و تلاش پیگیر او را نستاید. در ارزیابی هر کتابی، نکاتی چند باید مد نظر

۸. كشف الاستار، ج ۱، ص ۱۴، مقدمه مرحوم آیه الله مرعشی.

۹. كشف الاستار، ج ۱، ص ۳-۵. برای آگاهی بیشتر از چگونگی این اثر ر.ک: نشر دانش، سال دهم، شماره دوم، بهمن و اسفند ۱۳۶۸، ص ۵۴-۵۶، مقاله از گوشه خوانسار.

۱۰. الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۱.

۱۱. نشر دانش، سال دهم، شماره دوم، ص ۵۵-۵۶.

۱۲. الذریعه، ج ۲۵، ص ۳۰۹-۳۱۰.

مخصوصاً علم تراجم و کتابشناسی، با زحمتی طاقت فرسا اشتغال داشت و حدود شصت سال یا بیشتر است که کتب ایشان مرجع بسیار مهم اهل تحقیق است و بسیاری از رجال اسلامی، امامیه و غیر امامیه، از این دانشمند عالی مقام اجازه‌ی روایی تحصیل کرده‌اند، حتی مرجع علی‌الاطلاق امامیه در عصر اخیر، مرحوم آیه‌الله بروجردی-اعلی‌الله مقامه- از ایشان اجازه‌ی روایت داشتند. به این جانب نیز... اجازه‌ی روایی مرحمت فرموده‌اند-رحمة الله علیه رحمة واسعة. ۱۴

در اهمیت الذریعه و وصف شیخ آقابزرگ سخن بسیار گفته‌اند و نگارنده قصد ندارد بتفصیل در این موضوع وارد شود. ۱۵ تنها اشاره می‌شود که تاکنون در باره‌ی الذریعه کارهایی انجام شده است که اهم آنها عبارت است از:

۱) تبویب الذریعه؛ از شهید سید احمد دیباجی اصفهانی. این اثر فهرست موضوعی کتابهایی است که در الذریعه آمده، و یک جلد از آن در سال ۱۳۹۳/۱۳۵۲ ش در تهران چاپ شده است.

۲) معجم مؤلفی الشیعة؛ از علی فاضل قائینی نجفی؛ این اثر نیز به چاپ رسیده است (تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۵ ق [۱۳۶۳ ش]. ۱۶)

۳) فهرست اعلام ذریعه؛ تألیف فرزند مؤلف. این اثر هنوز چاپ نشده و از چند و چون آن اطلاع دقیقی ندارم.

۴) تکمیل و تتمیم الذریعه که برخی از معاصران به آن مشغولند و هنوز کامل و چاپ نشده است. ۱۷

باشد، از جمله شرایط مکانی، زمانی و اجتماعی‌ای که آن کتاب در آن پدید آمده است. با توجه به این نکته، چه بسا کتابی امروزه و با توجه به شرایط ما نقاط ضعف فراوان داشته باشد، اما در «ظرف زمانی» خود واقعاً شاهکار محسوب می‌شده است. الذریعه نیز از این حکم مستثنی نیست، یعنی چه بسا آدمی کم‌اطلاع و از خود راضی چند خطا در آن بیابد و پندارد که شق القمر کرده است، و به شیخ آقابزرگ-طیب‌الله رمسه- نسبت بی‌اطلاعی و بی‌دقتی دهد، ولی چون از سر انصاف بنگرد خواهد دید: وی در دورانی به چنین کاری دست یازید که هیچ یک از فهرستهای نسخه‌های خطی آثار شیعه به شکل امروزی وجود نداشت (بجز چند مجلد فهرست رضوی و مانند آن که آنها هم بعد از شروع به تألیف الذریعه نوشته شد) و بسیاری از کتابهای رجال و تراجم و تذکره چاپ نشده بود یا اگر چاپ شده بود، مغلوط و غیرقابل اعتماد بود. از سوی دیگر کتابها فاقد فهرستهای راهنما، و گاه حتی فاقد شماره صفحه بود و وسایل ارتباطی و بسیاری از ابزار تحقیق هرگز در اختیار ایشان و امثال ایشان نبود؛ مضافاً بر اینها چاپ و نشر کتاب از «نقل الصخر من قله الجبال» مشکلتر و طاقت فرساتر بود. از سوی دیگر، این گونه کارها در آن زمان نه خریداری داشت و نه مروّجی! بلکه زخم زبان و رمی به «بیسوادی» و مانند آن را نیز به دنبال داشت. خلاصه آنکه این گونه کارها نه آبی داشت و نه نانی و نامی. در چنین روزگاری شیخ آقابزرگ، ضرورت کار را درک، و یک‌تنه به آن اقدام کرد، و بیش از نیم قرن عمر خود را بدان اختصاص داد. ولی در زمان ما که وسایل کار مهیا، فهرستهای گوناگون نسخ خطی منتشر و بسیاری از آثار خطی و چاپی مغلوط آن دوره همراه با تصحیح و فهرستهای راهنما چاپ شده است، طبیعی است که آدمی در الذریعه لغزشهایی بیابد و چه بسا به چند صد خطا در یک مجلد آن برخورد، ولی این، به هیچ روی مایه‌ی تنقیص الذریعه یا کوچک جلوه دادن کار تهرانی نشود. ۱۳

پژوهشگر رجالی معاصر حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی-دامت افاضاته- گوید:

آیه‌الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹) هشتاد سال مداوم در رشته‌های متنوع علوم اسلامی،

۱۳. رك: آینه پژوهش، سال سوم، شماره‌های ۶ و ۵، ص ۵۸.

۱۴. یادنامه علامه امینی: مجموعه مقالات تحقیقی، به اهتمام سید جعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران مؤسسه انجام کتاب، [چاپ دوم]، ۱۳۶۱/۱۴۰۳، ص ۷۲، مقاله «فهرست شیخ منتجب‌الدین».

۱۵. شمه‌ای از سخنان بزرگان درباره تهرانی و ذریعه و نیز منابعی در این باب را می‌توانید در کتاب شیخ آقابزرگ اثر استاد محمدرضا حکیمی (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) و نیز در مقاله «آیه‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی» (نور علم، شماره ۲۸، اسفند ۶۹، ص ۳۴-۵۹) ببینید.

۱۶. درباره چگونگی‌های این اثر رك: نشر دانش، سال پنجم، شماره ششم، مهر و آبان ۱۳۶۴، مقاله «معجم مؤلفی الشیعة و پیوند آن با الذریعه» ص ۴۷-۴۹.

۱۷. رك: «نور علم»، پیشگفته، ص ۴۴.

۵) مع موسوعات رجال الشيعة الإمامية؛ تأليف سيد عبدالله سيد عبدالحسين شرف الدين، که اخیراً چاپ شده است. (بيروت، الإرشاد للطباعة والنشر، ۱۴۱۱، ج۳). مجلد اول این اثر به بحث درباره مطالب الذريعه و طبقات اعلام الشيعة (نیز تأليف شيخ آقابزرگ تهراني) اختصاص دارد. ۱۸

۶) آقای نجيب مايل هروي اظهار داشته است که درباره الذريعه «گفتاری مفصل پرداخته است که در آتیه عرضه خواهد شد» و نیز گفته است:

«مرحوم آقابزرگ تهراني در ذکر مؤلفات و نگاشته‌های مؤلفان غير شيعی - که آثار و آرای شيعی داشته‌اند و از خواص محققان اهل سنت و جماعت بوده‌اند - معيار و ملاکی داشته است که نگارنده در گفتار «نکاتی چند پيرامون ادامه حیات الذريعه» خواهم کوشيد تا آن را بنمايانم. ۱۹
این اثر ظاهراً تاکنون چاپ نشده است.

علاوه بر اینها دو کتابشناسی مهم شيعه که شيخ آقابزرگ هنگام تأليف الذريعه در اختيار نداشته، يعنی «مرآة الكتب» و «كشف الأستار» در دست تحقيق و نشرند و چنانکه گذشت تاکنون از مرآة الكتب یک مجلد محقق (علاوه بر اینکه تمامش بدون تحقيق منتشر شده بود) و از كشف الأستار سه مجلد محقق منتشر شده است. و از سوی دیگر در ايران و غير ايران فهرستهای بسياری از نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها منتشر شده است. ۲۰ همچنين ميكروفيلمها و عكسهایی از نسخه‌های خطی موجود در خارج از ايران نیز تهیه و فهرست شده است. ۲۱ و خلاصه، همه امکانات و شرايط مادی و معنوی و انسانی، برای «طرح پیشنهادی این مقاله» آماده شده است. پيش از ورود در بيان چگونگیهای طرح، یادکرد این نکته مناسب است که الذريعه را نیاز زمان و دفاع از تشيع به وجود آورد، زیرا:

در فهرستهای مشابه از آثار دانشمندان مسلمان، که به قلم پژوهشگران دیگر مذاهب تدوين می‌گشت، آثار بزرگان شيعه مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت. در همین اواخر، جرجی زیدان ادیب مسیحی عرب، در کتاب «تاریخ آداب اللغة العربية»، نقش شيعه را در بنای فرهنگ اسلامی بسیار اندک شمرده بود. این امر

بر علمای شيعه گران افتاد و تنی چند از آنان گردهم آمدند و سه تن از ایشان به قصد معرفی دانشمندان این مذهب و آثار آنان و دفع دعوی باطل جرجی زیدان و امثال او، تصميم گرفتند که این مهم را انجام دهند. تبیین نقش شيعيان در علوم اسلامی به سيد حسن صدر واگذار شد و وی کتاب «تأسيس الشيعة الكرام لفنون الإسلام» را به این منظور نوشت ... شيخ محمد حسين كاشف الغطاء، در بيان نادرستها و لغزشهای كتاب جرجی زیدان، نگارش «المراجعات الريحانية» و «النقود والردود» را آغاز کرد و اثبات نمود که عقاید شيعه نسبت به عقاید دیگر فرق اسلامی از استحکام بیشتری برخوردار است، و آقابزرگ، تأليف «الذريعه» را بر عهده گرفت و برای تدوين و تکميل بزرگترین دایرة المعارف کتابشناسی شيعی به سفرهای طولانی پرداخت. از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ايران و سوریه و فلسطين و مصر و حجاز و بسياری از کتابخانه‌های خصوصی در این کشورها دیدن کرد و به بررسی آنها پرداخت. وی در شصت و دو کتابخانه شخصاً کاوش کرد و فهرستهای بسياری از کتابخانه‌های دیگر را نیز مورد مطالعه قرار داد. ۲۲

حدود هزار سال پيش نیز سلف صالح تهرانی يعنی نجاشی، رجالی بزرگ شيعه فهرست معروف خود - معروف به رجال نجاشی - را به همین منظور سامان داد. وی در آغاز این اثر گرانسنگ گوید:

۱۸. درباره این اثر ر.ك: آینه پژوهش، شماره ۲۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳، مقاله «همراه با دایرة المعارفهای رجال الشيعة» ص ۶۳-۶۶.
۱۹. نشر دانش، پیشگفته، مقاله «معجم مؤلفی الشيعة و پیوند آن با الذريعه»، ص ۴۷، ۴۹.
۲۰. ر.ك: آینه پژوهش، شماره ۵، بهمن و اسفند ۶۹، ص ۲۷-۳۳، مقاله «نسخه شناختهای عکسی» از راقم این سطور.
۲۱. ر.ك: همان.
۲۲. نور علم، پیشگفته، ص ۲۹-۴۰. نیز ر.ك: شيخ آقا بزرگ، ص ۲۳-۲۴.

الدين» وفيه ١٦٠٩٩ سنة عشر ألفاً وتسعة وتسعون حديثاً من طرق آل البيت، وهو رقم يزيد على ما جاء في كتب الصحاح الستة (البخاري ومسلم ...).

وبه تكون عمدة مذهب الإمامية: هذه الكتب الأربعة الأساسية للشيعة، وهم كالزيدية لا يعتمدون في الفقه بعد القرآن إلا على الأحاديث التي رواها أئمتهم من آل البيت، كما أنهم يرون فتح باب الاجتهاد، ويرفضون القياس، وينكرون الإجماع. ومرجع الأحكام الشرعية هم الأئمة دائماً لا غيرهم.

وفقه الإمامية وإن كان أقرب إلى المذهب الشافعي، فهو لا يختلف في الأمور المشهورة عن فقه أهل السنة إلا في سبع عشرة مسألة تقريباً، من أهمها إباحتها نكاح المتعة، واختلافهم لا يزيد عن اختلاف المذاهب الفقهية كالحنفية والشافعية مثلاً. ويتشر هذا المذهب إلى الآن في إيران والعراق. والحقيقة أن اختلافهم مع أهل السنة لا يرجع إلى العقيدة أو إلى الفقه، وإنما يرجع لناحية الحكومة والإمامة. ولعل أفضل ما أعلنت عنه ثورة الخميني في إيران عام ١٩٧٩م، هو تجاوز الخلاف مع أهل السنة، واعتبار المسلمين جميعاً أمة واحدة راجين تحقيق ذلك.

ومن أهم المسائل الفقهية التي افترقوا بها عن أهل السنة: القول بإباحة الزواج المؤقت أو زواج المتعة، وإيجاب الإسهاد على الطلاق، وتحريمهم كالزيدية ذبيحة الكتابي والزواج بالنصرانية أو اليهودية، وتقديمتهم في الميراث ابن العم الشقيق على العم لأب، وعدم مشروعية المسح على الخفين، ومسح الرجلين في الوضوء، ويضيفون في الأذان والتشهد: «أشهد أن علياً ولي الله». ٢٤

من از مفصل این نکته مجملی گفتم،

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با ذکر این مقدمه، وارد اصل مطلب می شوم.

یک: این بزرگان در زمان خود وظیفه خویش را به

٢٣. رجال النجاشی. تألیف ابوالعباس نجاشی، تحقیق سید موسی شیرازی زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ١٤٠٧، ص ٣.

٢٤. الفقه الإسلامي وأدلته. وهبه زحیلی، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٤، ج ١، ص ٤٣-٤٤.

«أما بعد، فإنني وقفتُ على ما ذكره السيد الشريف - أطال الله بقاءه - وأدام توفيقه - من تعبير قومٍ من مخالفتنا: أنه لاسلفَ لكم ولا مصنف. وهذا قول من لا علم له بالناس ولا وقف على أخبارهم. ولا عرف منازلهم وتاريخ أخبار أهل العلم، ولا لقي أحداً فيعرف منه، ولا حجة علينا لمن لم يعلم ولا عرف. وقد جمعتُ من ذلك ما استطعت، ولم أبلغ غايته؛ لعدم أكثر الكتب، وإنما ذكرتُ لك عذراً إلى من وقع إليه كتاب لم أذكره». ٢٣

حقيقت آن است که امروز نیز دنیای غیر شیعی با آثار شیعه امامیه بیگانه است و آن را نشناخته است. بنگرید که دکتر وهبه زحیلی، که به ایران هم رفت و آمد دارد و فی الجمله با شیعه آشناست در کتاب معروفش «الفقه الإسلامي وأدلته» درباره شیعه و مؤسس مکتب فقهی شیعه امامیه چه گفته است:

سابعاً - أبو جعفر، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار الأعرج القمي المتوفى سنة ٢٩٠ هـ - مؤسس مذهب الشيعة الإمامية في الفقه.

والإمامية يقولون بإمامة اثني عشر إماماً معصوماً، أولهم الإمام أبو الحسن علي المرتضى، وآخرهم محمد المهدي الحجة؛ الذين زعموا أنه مستور وأنه هو الإمام القائم.

وابن فروخ هو المؤسس الحقيقي لفقه الشيعة الإمامية في فارس في كتابه «بشائر [كذا] الدرجات في علوم آل محمد، وما خصهم الله به» طبع سنة ١٢٨٥ هـ.

وقد تقدمه أول كتاب للإمامية في الفقه لموسى الكاظم الذي مات في السجن سنة ١٨٣ هـ، كتبه إجابة عن مسائل وجهت إليه، تحت اسم «الحلال والحرام».

ثم كتب ابنه علي الرضا كتاب «فقه الرضا» طبع عام ١٢٧٤ هـ في طهران.

ثم جاء بعد ابن فروخ الأعرج في القرن الرابع: محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي، شيخ الشيعة، المتوفى سنة ٣٢٨ هـ، فألف كتابه «الكافي في علم

طرحی در باب تدوین کتابشناسی کتب شیعه

سه: آثاری که در این مقاله معرفی شد، و از همه مهمتر اثر گرانتسنگ الذریعه، با همه عظمت و محاسنی که دارند، و ماهمگی و امدار زحمات و کوششهای خالصانه مؤلفان آنهایم، برای این منظور کافی نیست؛ هر چند باید از همه آنها در پی ریزی بنای عظیم کتابشناسی کتب شیعه استفاده کرد و آنها را در حقیقت پیش نویس این امر بزرگ دانست. یکی از معاصران درباره الذریعه گفته است:

«... اثر مزبور برای ادامه حیات و کارکرد مؤثرش نیاز به تسنید و تحریری دقیق و روش دار (متدیك) دارد. به طوری که نخست از نظر زبانی، کتابها ممتاز گردد، و پس از آن از نظر تاریخی و موضوعی مرتب شود، و یافته‌های تازه و مفیدی که پس از مرحوم مؤلف دستیاب شده، ضمیمه گردد، و لغزشها و اشتباهات موجود رفع شود، و نیز بخشهای دوگانه کتابشناسی و مسخه شناسی عنوانها، با استناد به اسناد معتبر نموده شود، نسخه‌های شناخته شده‌ای که در آن اثر مذکور نیست ذکر شود، و دیگر تناقضها و نقصها مرتفع گردد.» ۲۵

برای تکمیل الذریعه عملی شدن این پیشنهادها لازم است، ولی آنچه مدنظر نگارنده است، پی ریزی و ساماندهی بنایی عظیم در این مقوله است که باید همه این پیشنهادها، به اضافه نکاتی دیگر، در آن اعمال شود.

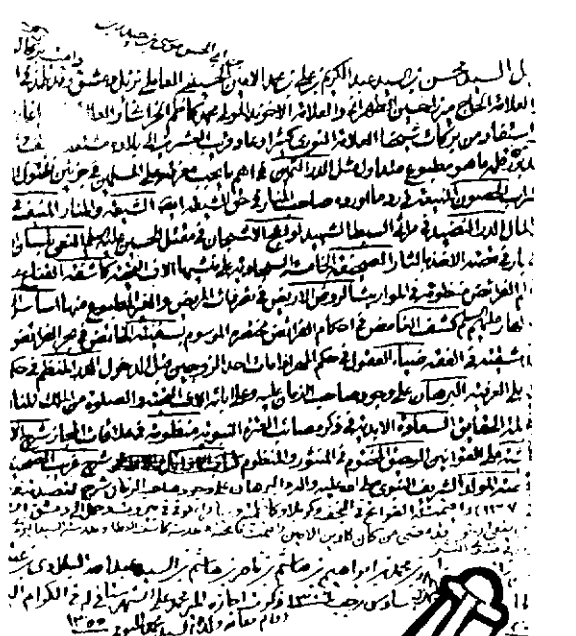
چهار: به سامان آمدن این طرح، کاریک یا دونفر نیست؛ حداقل باید صد نفر اهل خبره در علوم مختلف، که با چگونگیهای کار نیز آشنا باشند، این اثر را تدوین کنند و هر کدام به معرفی کتابهایی بپردازند که مربوط به رشته خودشان است.

پنج: ریزه کاریهای تألیف چنان اثری، مستلزم صرف ماهها وقت افراد خبره و نیازمند تدوین کتابی در شیوه نامه تألیف آن است، ولی آنچه عجاله می توان گفت، اینکه:

الف) طبیعی است که همه آثار بزرگان شیعه باید معرفی شود، ولی نباید هر اثر بسیار کوچک و تنک مایه ای

نحو احسن انجام دادند و اینک بر ماست که این وظیفه را بخوبی انجام دهیم و در معرفی شیعه امامیه به دنیای غیر شیعی از این راه - که از مهمترین راههاست - گامهای تازه و متناسب با این زمان برداریم.

دو: بهترین معرف مذهب ما و بیان کننده حقیقت و چگونگیهای آن، آثاری است که بزرگان این مذهب سامان داده اند، و برای دفع تهمتهای مخالفان و نشان دادن اصالت این مکتب، هیچ راهی بهتر از عرضه و شناساندن درست و فنی و همه جانبه آثار این مکتب نیست. از سوی دیگر، ما امروزه رکنهای رکین مذهب خود را با آثارشان می شناسیم. شیخ مفید، طوسی، سید مرتضی، محقق، علامه حلی و شهید اول و ثانی را آثارشان به ما شناسانده است نه چیز دیگر.



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
والعقلاء المطهرين والاعراب الاخوان والموالين لهم كما قال تعالى
انما ارسلناك رحمة للعوالم
والله اعلم بالصواب

۲۵. نشر دانش، سال پنجم، شماره ششم، ص ۴۷، «معجم مؤلفی الشيعة و پیوند آن با الذریعه».

۵- کتابهایی که از اثر مورد بحث به نحو محسوس و ملموس تأثیر پذیرفته اند.

۶- ذکر همه نسخه های خطی و در مواردی عمده و اهم نسخه های خطی کتاب. ۲۶

۷- تعداد چاپهای کتاب و ذکر اوصاف و مشخصات دقیق آنها.

۸- ذکر اجمالی شروح، حواشی، ترجمه ها، تلخیصها و نظم کتاب.

۹- ذکر دیگر آثار مؤلف که در اثر مورد بحث از آنها نام برده یا به آنها ارجاع داده است؛ نیز تصریح به عدم آن در صورتی که نامی از دیگر آثارش نبرده باشد.

۱۰- ذکر مواردی که مؤلف در دیگر آثارش از اثر مورد بحث یاد کرده است. ۲۷

۱۱- فواید گوناگون تاریخی و کتابشناختی که از آثار استفاده می شود؛ مانند:

نام بردن و نقل کردن از کتابهایی که اکنون مفقودند؛ کسانی که مؤلف به عنوان استاد یا شیخ روایت خود نام برده است و نیز نحوه دعا کردن در حق آنان که دال بر حیات یا عدم حیات آنان است، اصطلاحات یا مباحثی که مؤلف نخستین بار مطرح کرده است و مانند اینها.

۱۲- اگر مؤلف در باب مسائل اعتقادی و نیز مسائل مهم دیگر، نظری ویژه دارد که با نظر رایج و پذیرفته شده نزد اکثر علمای مذهب مباین است، تذکر داده شود که نظر شخص مؤلف است نه نظر مشهور مذهب؛ مثلاً اگر مؤلف، قائل به سهو النبی - صلی الله علیه و آله - یا تحریف قرآن است، تذکر داده شود که نظر مشهور علمای شیعه بر خلاف این است و این نظر، اعتباری ندارد.

۱۳- نمونه هایی از دستخط علمای شیعه، یا تصویر صفحه یا صفحاتی از نسخه های مهم و معتمد کلیشه شود.

۲۶. از آنجا که بسیاری از فهرستهای نسخه های خطی مغلوطند، نباید به رجوع به آنها اکتفا کرد و در مواقع زیادی لازم است خود نسخه ها بررسی شود.

۲۷. پیدا است که این دو کار در صحت انتساب کتابها نقش اساسی دارد. صاحب این قلم در معرفی دو اثر ارزنده؛ یعنی منیه المرید از شهید ثانی، و غایة المراد از شهید اول در مقدمه آنها، تا آنجا که میسر بوده است، به این نکات یازده گانه پرداخته است.

را به بهانه اینکه مؤلفش شیعه است، معرفی کرد. (ب) تدوین هر مدخلی را - حداقل - یک نفر که در آن رشته متخصص است، به عهده بگیرد - مانند دایرة المعارفها - و چه بسا نیاز افتد که معرفی یک اثر مهم، حدود یک ماه وقت نویسنده اهل خبره آن را بگیرد.

(ج) می توان تنها آن دسته از آثار شیعه را که تا آغاز قرن پانزدهم هجری (۱۴۰۰) تألیف شده اند معرفی کرد (به استثنای آثار بسیار مهمی که پس از این تاریخ تألیف شده اند). و برای آثار تألیف شده پس از این تاریخ چاره ای اندیشید.

(د) با استفاده از ارجاعات دقیق و روشمند و نظم و انسجامی شایسته، از تکرار مطالب مطلقاً پرهیز شود.

(ه) در ذکر شروح، حواشی، ترجمه ها، تلخیصها و نظمهها لازم است روش واحد، منسجم و کارآمدی اتخاذ و اعمال شود.

(و) محاسن و نقاط قوت کارهایی امثال «تاریخ التراث العربی» از «سزگین» - به رغم اختلاف در هدف و سبک و روش - بررسی و در تدوین چنین اثری اعمال شود.

(ز) از تجربیات اصحاب و بانیان و دست اندرکاران سه دایرة المعارفی که در ایران منتشر می شود (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، دایرة المعارف تشیع و دانشنامه جهان اسلام) استفاده شود.

(ح) سرگذشت کوتاه، متقن و مستند هر مؤلفی تنها یک بار ذکر شود و در مواضع دیگر به آن ارجاع شود.

(ط) معرفی بسیاری از آثار، تفصیلی و گسترده و مشتمل بر این نکات باشد:

۱- موضوع، زبان و نام دقیق و کامل کتاب، و نیز نامهایی که به آن مشهور است یا با آن نامها از آن اثر یاد می شود، گرچه مؤلف آن نامها را بر آن ننهاده باشد.

۲- تاریخ دقیق تألیف کتاب، تاریخ شروع در تألیف و تاریخ ختم آن، و اینکه آیا پس از تألیف به وسیله مؤلف مجدداً کم و زیاد و اصلاح شده است یا نه؟

۳- ارزش علمی کتاب و سخنان اهل فن درباره آن، و نیز روش مؤلف در تألیف.

۴- کتابهایی که مؤلف در تألیف اثر از آنها به نحو محسوس و ملموس تأثیر پذیرفته است، اعم از آنچه نام برده یا نبرده باشد.

طرحی در باب تدوین کتابشناسی کتب شیعه

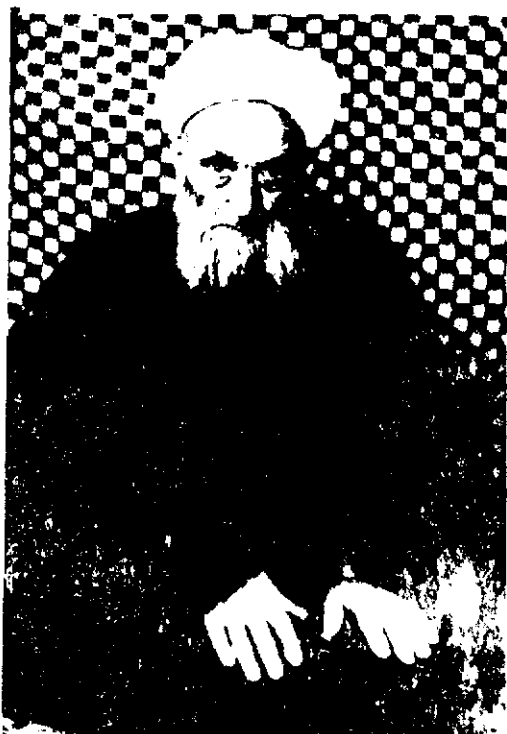
روشن است که همه این نکته‌ها درباره همه کتابها مصداق ندارد، و چه بسا لازم افتد در معرفی اثری مطالب دیگری جز اینها یاد شود.

برای اینکه تنه‌ابه کلی گویی نپرداخته باشیم اشاره می‌کنیم که آنچه اینک مدنظر است، شناسایی آثار شیعه بطور دقیق است و مقاله «فهرست منتجب‌الدین» نوشته پژوهشگر رجالی معاصر، حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی - دامت افاضاته - که سالها پیش در یادنامه علامه امینی در صفحات ۳۲-۷۳ چاپ شده است، نمونه بسیار عالی از این دست است و در کتاب مورد نظر، آثار شیعه باید این گونه دقیق و همه‌جانبه معرفی شود.

باری، شایسته است بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی بانی و دست‌اندرکار چنین خدمت بزرگی شود. پیش‌بینی می‌شود حجم چنان اثری حدود سی جلد رحلی کوچک (قطع مجله‌ای، و به اندازه چاپ جدید اعلام زرکلی) هر جلدی ۷۰۰ صفحه شود. نیز شایسته است چنین اثری به زبان عربی یا فارسی تألیف، و بلافاصله به زبانهای زنده دنیا ترجمه، و به صورتی آراسته و پاکیزه و متناسب با اهمیت آن، عرضه و منتشر شود.

دو تذکر: ۱- برای اینکه ذکر خیری از پیشگام بزرگ این فن، یعنی شیخ آقابزرگ و اثر جاودانه اش الذریعه شده باشد مناسب است نامی بر آن انتخاب شود که تداعی‌کننده یاد شیخ آقابزرگ باشد؛ مثلاً: «الوسيلة إلى تصانیف الشیعة».

۲- الذریعه از بدو تألیف و نشر تاکنون همواره مورد مراجعه محققان و پژوهشگران و نویسندگان بوده است و بسیاری از آنها نقصها و اشتباهاتی در آن یافته‌اند که معمولاً در حاشیه نسخه خود یادداشت کرده‌اند، و جایی منتشر نشده، یا اگر منتشر شده بطور پراکنده بوده است نه یکجا و منسجم؛ از این رو پیشنهاد می‌شود مجله «آینه پژوهش» فصلی ویژه این کار بگشاید تا هم نویسندگان و پژوهشگران نظریات و طرحهای خود را در باب تدوین کتابشناسی کتب شیعه، مطرح کنند، و هم نقصها و اشتباهاتی که در الذریعه یافته‌اند، بنویسند تا آغازی باشد برای تدوین کتابشناسی مذکور. ۲۸، ما مطمئنیم که روح مطهر و منور شیخ آقابزرگ از این کار خرسند خواهد



تهال العلامة العجبر جامع العلم والورع
الشیخ آغا بزرگ الطهرانی

شد، چرا که جز حق جوئی و حق‌گویی نظری نداشت. ۲۹ و از سوی دیگر، الذریعه اکنون به درخت تناوری تبدیل شده است که این گونه نقدها «غبار ملالی بر خاطر آن» نخواهد نشانند.

سلام و درود بیکران الهی بر همه خادمان و عاشقان حق و فضیلت، بخصوص عالمان پاک‌نهاد شیعه و بالاخص شیخ المشایخ، شیخ آقابزرگ تهرانی.



۲۸. راقم این سطور تاکنون به مطالب زیادی در ذریعه برخورده است که نیازمند اصلاح است و اگر آنها تدوین شود مقاله‌ای طولانی خواهد شد.
۲۹. رك: نور علم، پیشگفته، شماره ۳۸، ص ۴۰-۴۳.